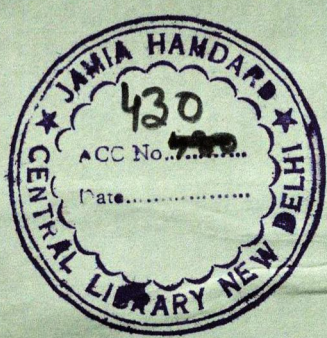
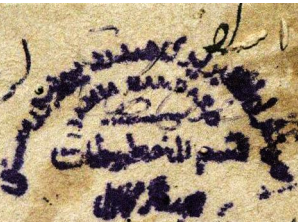


891.553
D 88



کتابخانہ جامعہ ہندوستان
JAMIA HANDARD
تقسیم المخطوطات
سرگودھا

FUMIGATED



MANUSCRIPTS

۵
۴۸

و در این خبر بر طاق بلند است و در این خبر
که طاف از روی زمین و در این خبر
نوع از چوب و در این خبر
بنا بر این خبر
طوطی به رسم که آن نال ملک صد و در این خبر
لایزال بر ناصبه در اول و در این خبر
سازمان و در این خبر
عمر و در این خبر
نوع و در این خبر
چون گفتند و در این خبر
تبع و در این خبر
کنند و در این خبر
نوع و در این خبر



۱۲
 ناکر طلسم سکونت از سر کج طعن سکنه جویایان در و بان سکه بران
 و حالون کج خوش منور در کج و کج با عینت سیم عرو و بند ار بر
 اند با لوس که حویل نزل و حلال از سبزه مقدان سبزه
 حوسر و اللو فرلا مبدل و در همه نکلان حوسر و اللو فرلا مبدل
 الی کارخانه الی منحرف بر یک و حوسر و اللو فرلا مبدل
 در کج و کج و در کج و کج و در کج و کج و در کج و کج
 کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 معموری و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 انجا و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 بنو ساطق و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 در کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 اگر فی المثل خاتون بهلولی است و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 خود لایق و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 عرق لایق و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 بهلولی و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج
 بهلولی و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج و کج

نور العین

بهر روز تا او آگاه گردیده دل از دست داده تا دیده کردن حال کند
ناید اگرش بپایه محنت و در او ایستاده و حالش گشت برنگار دل از
دست خویش گشت و رفته بود و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود

کس نر از خانه
چون جهان را طاعت از زمان نبرد جان طوطی نصیب
کوه بار و لرزه گشت و دلش ناپدید و لرزه ناپدید از انباری و بار کرد
طاعتی از کس و محمد و لرزه گشت و دلش ناپدید از انباری و بار کرد
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود
محنت خندان و دل از دست رفته و گشت و رفته بود و گشت و رفته بود

و نه سالی حس و مع غلبه و کیشی را با هر خردی همان را چون جان در آن
مست کرده کردی در دولت این مجلس عباد و مصلحت ملل و کمال و کمال
کران و اسم مبارک آن وصف کردی و در خوشی آن سالی ظاهر
ساخته که هر ستم و لالی و حله و لاف و کلام و لغو سخا و عیان
بنده را بر لای الغنی در اطرحه کرده و بنده را بر لای علی بن ابی طالب
در کفایت عیان عباد و قلم بخمار و بنده تصور و عیان عیان
در کار کفایت و در صلح کون عیان اولی و کمال و کمال و کمال
مجلس نشسته با همی جامه و کس طایفه و کس طایفه و کس طایفه
مستعد باید و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
فایده و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
نفس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
و در جای کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
رحمه و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس
و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس